

می‌گوید من حاضرم استان بشوم به شرط این که مرکز من باشم، آن یکی... خوب، و آلا آماده است. من آمادگی دارم که همین فردا تقدیم دولت بکنم و تبعات آن را نمی‌دانم. همه بحث در تبعات قضیه بوده. با معاونت سیاسی-اجتماعی وزارت کشور هم بحث داشتیم. همان وقت سر این که چه کار کنیم، من آنجا مطرح کردم که عزیزان! بدانید هر روز ما طرح تقسیم استان خراسان را از وزارت کشور به دولت بفرستیم، حداقل فشار ظاهری از وزارت کشور برداشته می‌شود. البته ممکن است تبعات زیادی داشته باشد، تبعات امنیتی و مشکلات مختلف. حالا به نظر شما ما چه کار می‌کردیم درست بود؟ در ارتباط با عدم پاسخگویی عادی و منطبق بر توصیه حضرت امام به نمایندگان محترم مجلس که این خودش یک بهانه‌ای شده برای این که تبلیغ بشود که این آقای وزیر کشور احترام به نمایندگان مجلس نمی‌گذارد. من اینجا از تریبون می‌خواهم این مطلب را اعلام کنم (باز تکرار می‌کنم، برای من هیچ فرقی نمی‌کند من در وزارت کشور باشم یا نباشم) اولاً اگر کسی می‌گوید... چون دو مطلب را سر این موضوع جلو می‌برند، یک مطلب را بعضی می‌گویند که وزیر کشور مثلاً آن قدر از موضع تکبر برخوردار می‌کند که نسبت به نمایندگان محترم بی‌اعتنایی می‌کند!

یک دسته دیگر از آن طرف می‌گویند آن قدر مقتدر است که پاسخگو به مجلس نیست! هر دو خلاف است. بنده نه آن قدر متکبرم نه آن قدر مقتدر. من اقتدار مسؤل را به این می‌دانم که با احترام به نمایندگان محترم حرف آنها را دقیقاً گوش بدهد و آن قدر کفایت داشته باشد که بتواند در جهت پاسخگویی به مطالبی که مطرح شده، بر بیاید و آن قدر شجاعت داشته باشد که چنانچه فهمید اشکالی دارد براحتی بپذیرد که اشکال دارد. من اصلاً اقتدار را بر این نمی‌دانم که مقابله یا مجلس بکند و احساس اقتدار بکند! اما مصداقی که برایش آورده شده، این مصداق را من خواهش می‌کنم همه عنایت فرمایند ببینند چه بوده و چه شده.

مطرح فرمودند که ایشان را در کمیسیونهای مجلس دعوت کردیم، نمی‌آید! می‌گوید من اصلاً دیگر نمی‌خواهم، اگر مطلبی دارید بیایید در صحن مجلس بخوانید و پیدا است می‌خواهد تحریک بکند، جامعه را می‌خواهد تحریک بکند! بعداً هم اشاره فرمودند بنا بر توصیه امام بنا شده این کار بشود. من خواهش می‌کنم که توصیه حضرت امام را عنایت فرمایید. من این بند را برای تبرک و تیمن خدمت نمایندگان محترم مجلس می‌خوانم. امام عزیز در توصیه‌هایی که به نمایندگان محترم داشتند این

مطلب را مطرح می‌فرمایند، (تمام این مطلب را که می‌خوانم صحبت حضرت امام است).

«شک نیست که مجلس به همه امور کشور نظارت دارد و حق نمایندگان است که از هر انحراف و خلافی که از وزرای ادارات می‌بینند به حکم قانونی جلوگیری کنند و دولت را تا حد استیضاح بکشانند. لکن فرق است بین نظارت، استیضاح و بین عیب‌جویی و انتقام‌گیری، و این فرق را همه کس پس از رجوع به وجدان خویش می‌فهمد. انسان با کمی تفکر در حال خود تشخیص می‌دهد که احضار دولت یا وزیر برای خدا و مصالح اسلام و کشور است و در آن جز هدایت و جلوگیری از انحراف و حفظ مصالح ملت، چیز دیگری دخالت ندارد، یا از معیارهای غیر الهی چون حب و بغض، دوستی و دشمنی، هواهای نفسانی، چون خودنمایی، عرض اندام و از این قبیل مسائل نفسانی و شیطانی برخوردار است و محک تشخیص معیار الهی از شیطانی آن است که پس از مراجعه به خود، بیابد که آنچه را بدان سبب شخصی را احضار کرده است اگر از دوستان عزیز او سر می‌زد با او همان می‌کرد که با این انجام می‌دهد و این است معنای روابط، ضوابط و صراط مستقیم که از ارزشهای انسانی برخوردار است، خداوند قادر ما را بر آن هدایت فرماید و از ما دستگیری کند.

مرحله دیگر، به فرض آن‌که هیچ مقصدی جز حق‌جویی و جلوگیری از انحراف نباشد در کیفیت ادای وظیفه و بیان اشکال می‌توان معیارهای الهی و نفسانی را تشخیص داد. معیار الهی آن است که اثبات مدعی مبنی بر استدلال و شواهدی متقن باشد و از کلمات نیش‌دار و اهانت‌آمیز و کردار ناروا مبرا باشد و در غیر این صورت باید دانست که دست شیطان و نفس اماره به سوء در کار است و گوینده بازیچه هوای نفس است.

نمایندگان محترم و خواهران و برادران گرامی! مسأله بسیار مهم است، آبرو و حیثیت یک مسلمان یا یک انسان در کار است، چه بسا با یک انحراف شما، یک انسان آبرومند در جامعه ساقط شود و شرف یک مؤمن خدشه‌دار گردد. اگر انحرافی دیدید نخست بدون سر و صدا دنبال تحقیق روید، پس از آن‌که مسلماً معلوم شد، قبل از کشیده شدن به مجلس با طرف به گفت‌وگو بنشینید و مسأله را حتی الامکان با خود او حل کنید. اگر در این مرحله توفیق حاصل نشد در کمیسیون مربوط او را بخواهید و با کمک دوستان فیصله دهید و اگر فیصله نشد و شخص مذکور می‌خواهد برخلاف

مصالح اسلام، کشور و ملت عمل کند و در انحراف پافشاری نماید، حفظ مصلحت عمومی و اسلام مقدم است بر حفظ مصلحت شخصی، هر کس باشد. در این صورت تقاضا کنید و با استقلال و منطق بدون کوچکترین اهانت، مطلب را عرضه کنید و مهلت دهید تا در محیطی آرام و بی تشنج از خود دفاع کند. در این موقع مجلس به هر چه تکلیف قانونی و شرعی دارد عمل کند، بی کوچکترین توهین، و ما همه باید بدانیم مجرمی که بالاترین جرم را دارد و به سوی چوبه دار می رود جز اجرای حد شرعی، احدی حق آزار او را لفظاً و عملاً ندارد و مرتکب، خود ظالم است و مستحق کیفر».

ما در کمیسیون داخلی آمدیم، سوال فرمودند، جواب دادیم. من چند بار آمدم خوب، اعضای محترم کمیسیون داخلی اینجا هستند، توصیه حضرت امام این بوده که مسائل در کمیسیون مطرح و حل بشود، حالا اگر حل هم نشد در مجلس بیاید مطرح بشود. فردای آن روز مواجه شدیم به این که متن صحبتهای کمیسیون را روزنامه‌ها چاپ کردند. من خدمت نمایندگان محترم کمیسیون عرض کردم، خودم در جلسات بعد کمیسیون... که من فکر می‌کنم نظری که حضرت امام داشتند و قانونی که تصویب شده در این جهت بوده که بحثها به مجامع مختلف و به میان مردم کمتر کشیده بشود، علی‌الظاهر نتیجه این کار این شده که دو بار به مجامع و محافل کشیده بشود! یک بار ما در کمیسیون صحبت کنیم به روزنامه‌ها داده و چاپ بشود، یک بار هم بیاییم در مجلس صحبت کنیم، دوباره به روزنامه‌ها داده بشود. خوب، اگر بناست دو بار این مسائل در جامعه مطرح بشود آیا بهتر نیست یک بار مطرح بشود؟ از اعضای کمیسیون سوال کردم که حالا من از شما سوال می‌کنم، چون در کمیسیون فرمودند که ما نمی‌دانیم، یعنی خود کمیسیون این بحثها را به بیرون نداده است برای این که منتشر بشود، شاید خود افراد بردند؟ بالاخره در روزنامه‌های چاپ شده! من سوال کردم که آیا من وظیفه دارم بیایم؟ اگر وظیفه دارم می‌آیم، ولی اگر وظیفه نیست و اختیاری است به این دلیل که من احساس می‌کنم این مباحث یک بار در جامعه مطرح بشود بهتر است، شرکت نکردم. یعنی اگر همین چیزی که حضرت امام فرمودند عمل می‌شد، دلیلی نداشت. اصلاً من خیلی توجیه نیستم که به چه مناسبت من در کمیسیون شرکت نکنم، حالا اتفاق بالاتری که دارد می‌افتد (و من خواهش می‌کنم، البته این از بحثهای من نیست، مربوط به خود مجلس محترم می‌شود) این است که اصلاً قبل از

این مراحل، فرض بگیرید که بعضی از عزیزان سؤالی دارند، شاید هنوز سؤال به هیأت رئیسه محترم هم داده نشود در روزنامه‌ها چاپ شده، یا شاید به هیأت رئیسه داده شده، بناست در کمیسیون ما دعوت بشویم، در روزنامه‌ها چاپ می‌شود! همین پریروز اتفاقی من برخورد کردم که در روزنامه، سؤال یکی از نمایندگان محترم با توضیحات کافی چاپ شده من الآن هم اعتقاد بر این است که صد درصد در جهت تأمین نظر حضرت امام بوده، اگر واقعاً این کار در مجلس محترم به همان شکلی که امام بزرگوار خواستند و خود مجلس هم نظرش بوده، همان شکل عمل بشود، معنا ندارد اصلاً... من هیچ توجیه نیستم که به چه دلیل ممکن است یک وزیر بگوید که من نمی‌خواهم در کمیسیون بیایم جواب بدهم! همان‌طور که گفتم باز تکرار می‌کنم، این را هم به هیچ وجه دلیل اقتدار یک شخص نمی‌دانم که بیاید و بخواهد یک چنین حرفی را بزند.

موضوع دیگری که در بحثهای استیضاح مطرح شده، بحث مربوط به نجف آباد، اصفهان و مسائلی از این قبیل بود. یک بحثی الآن اینجا مطرح شد که من چون تا آخر جلسه بحث آن نشد و آخرین نفر که صحبت فرمودند این بحث را مطرح فرمودند، جزو نوشته‌هایم نوشتم که از استیضاح‌کنندگان محترم تشکر کنم از بعضی از مسائلی که شاید طرح در پشت تریبون و سایل حول و حوشی آن ممکن است به مصلحت ملی ما نباشد مطرح نکردند، ولی خوب، مباحثی مطرح شد که در عین حال من آنچه را فکر می‌کنم مصلحت نیست از تریبون پخش بشود، مطرح نمی‌کنم. البته این بحث برمی‌گردد به چند ماه پیش فکر می‌کنم جا داشت از وزیر کشور دعوت می‌شد در یکی از جلسات سه‌شنبه، دو ساعت، سه ساعت، چهار ساعت ما می‌آمدیم توضیح می‌دادیم. در دو هفته قبل، از من خواسته شد بیایم، به دنبال بحثی که وزیر محترم اطلاعات در جلسه سه‌شنبه سه هفته قبل داشتند که اتفاقاً همان روز سه‌شنبه صبح وزیر کشور کویت وارد ایران می‌شد که من با عزیزان هماهنگ کردم که سه‌شنبه بعدش بیایم که دیگر برای سه‌شنبه بعد، عزیزان در دستور کار استیضاح آوردند و این مجال پیدا نشد که در جلسه دیگری مطرح بشود. ولی من خواهش می‌کنم چه من در وزارت کشور باشم، چه نباشم این فرصت به وزارت کشور و بنده و مسؤولین وزارت کشور داده بشود که در یکی از جلسات سه‌شنبه ما بیایم و نقطه نظراتمان را که صرفاً بر اساس مصالح ملی و مصالح نظام طراحی شده، بیان کنیم. ببینید! ما چه می‌گفتیم و دنبال چه بودیم! من فقط یک اشاره بکنم و از این موضوع تا آنجایی که امکان دارد،

بگذرم و گوشه‌ای از عملکرد دستگاه اجرایی را اینجا بگویم.

در سال ۱۳۶۸ و سال ۱۳۷۳ مسائل بسیار ساده‌تری پیش آمد و تشنجی که در بعضی از مناطق کشور پیش آمد، اصلاً قابل مقایسه با این چیزی که امروز شما می‌بینید نبود! آنچه در طول این مدت اتفاق افتاده با مجموعه اتفاقاتی که وجود داشته اصلاً قابل قیاس با اتفاقات قبل نیست. مهمترین موضوعی که در دستور کار وزارت کشور در مسائل مربوط به نجف‌آباد بوده، این بوده. تا آنجا که امکان دارد ما خوراک برای بیگانگان تولید نکنیم و فکر می‌کنم در این راستا کارها و اقدامات بسیار زیادی را وزارت کشور انجام داده است. برخوردهای تند و خشن می‌توانست مشکلات عدیده و زیادی را برای ما به وجود بیاورد. من خدمت شما عرض کنم، برادر عزیز و بزرگوارمان جناب آقای ناطق تشریف دارند من اصلاً در ارائه نظراتم هیچ‌گونه مماشاتی ندارم. یک‌وقت فکر نکنید من اهل تقیه و مسجمله هستم و نظراتم را می‌ترسم بیان کنم، من آنچه در مسائل مربوط به این موضوع نظرانی داشتم بر راحتی برای رضای خدا و کشور در شورای عالی امنیت ملی گفته‌ام. فکر نمی‌کنم مصلحت باشد که بخواهم در این جلسه‌ای که اگر تنها مردم عزیز و خوب ما از این تریبون بهره‌مند می‌شدند اشکال نداشت، ما آنها را نامحرم نمی‌دانیم ولی نامحرمان هم گوششان به این صداست. من نمی‌خواهم بحثها را اینجا باز کنم، ولی خواهش می‌کنم که اگر جلسه‌ای گذاشته بشود من بیایم و اصلاً به عنوان یک موضوعی که دیدگاههای مختلف در آن بررسی و ارزیابی بشود و بعداً تصمیم‌گیری بشود که کدام دیدگاه می‌تواند درست باشد، کدام نمی‌تواند درست باشد، نقطه‌نظرات خودم را عرض کنم.

در اینجا فقط این نکته را عرض می‌کنم که انصافاً در طول این مدت آنچه وزارت کشور و آنچه استانداری اصفهان و فرمانداری نجف‌آباد انجام داده، به گونه‌ای بوده که نهایتاً منجر به این شده که مورد تقدیر و تشکر رئیس جمهور قرار بگیرد. در بحثی دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی از استاندار محترم تشکر بکند که همه اینها در این کتابچه‌ای که برای من فرستادند و ضمائم آن هست که مورد به‌مورد در کجا چه جلسه‌ای بوده، چه اقداماتی شده... ما در آنجا موضوع نجف‌آباد را آمدم از ابعاد و زوایای مختلف به آن پرداخته‌ایم. یکی از آنها موضوع امنیتی-انتظامی بوده و این، همه اقدام ما نبوده و صرفاً مقوله آنجا را در این راستا و در این چارچوب ندیدیم، این کار را انجام دادیم. جلسات بسیار زیادی که شوراها و تأمین استان و شهرستان در این

راستا داشته‌اند. یکی از آنها بحث مربوط به معتمدین محلی بوده. خوب، همین طور که در صحبت برادر عزیزمان (نماینده محترم استیضاح‌کننده) مطرح شد، نجف‌آباد و شرایط آنجا، شهدای آنجا، سوابق آنجا، وضعیت آنجا برای همه شناخته شده است. یکی از اقداماتی که آنجا شده اقداماتی است که در ارتباط با جلسات زیاد با معتمدین محلی که از فرمانداری شروع شده، تا استانداری، تا نماینده معظم ولی فقیه در اصفهان که همه اینها را بخواهند، صحبت کنند، مصالح نظام را برای آنها تشریح کنند بگویند این نوع حرکتها نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع نظام باشد. ائمه جماعات و روحانیونی که آنجا وجود داشتند و چه بسا در این مسائل می‌توانستند تأثیرگذار باشند. دستگاههای اداری که مسائلمان در این جریانها بسیار حساسیت داشته، مثل آموزش و پرورش که خود شما در جریان هستید که حتی ما در بعضی از شرایط دچار نگرانیهایی می‌شدیم و در مواردی هم که نیاز به فعالیتهای انتظامی و برخوردی دیگر بوده، همه اینها انجام شده. خود من در وزارت کشور از همه عواملی که فکر می‌کردم لازم بوده بهره بگیرم، بهره می‌گرفتم برای این که تا آنجایی که امکان دارد ما با تسلط بر این مسائل، نگذاریم شکل مسأله یک شکلی بشود که خدای ناخواسته ضرر نظام و انقلاب در آن باشد و آنچه در طول این مدت در اصفهان و نجف‌آباد اتفاق افتاده، مجموعه دستاورد همه مسؤولین نظام است و این بی‌انصافی است که ما یک نفر را بخواهیم در آن متهم کنیم و بگوییم در این جریان یک نفر متهم است و آن متهم مثلاً باید از فلان شهرستان یا فلان استان یا فلان جا برداشته بشود. نه، این به نظر می‌رسد بی‌انصافی است. همه مجموعه دستگاههایی که باید راجع به این موضوع می‌اندیشیدند و فکر می‌کردند، از شورای عالی امنیت ملی، از شورای امنیت کشور، از شورای امنیت استان اصفهان و از شورای تأمین شهرستان، همه در این قضیه فعال بودند. تمام دستگاههای اجرایی مثل وزارت کشور و امنیتی، دستگاههای اطلاعاتی، دستگاههای انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همه با هم تشریک مساعی کردند، در بعضی جاها ممکن بوده آن‌گونه که باید اشراف می‌داشتند، اشراف نداشته باشند، جمع‌بندیهایشان که باید از این طرف می‌شده با حرکتهایی که از آن طرف بوده نمی‌توانسته همدیگر را خنثی بکند و این طور نیست که ما بیاییم روی یک نفر دست بگذاریم، حالا فرض بگیرید که آن یک نفر نبود، آن وقت فکر می‌کنیم چه می‌شود، فکر می‌کنیم مشکل یک دفعه حل می‌شود؟

اینجا مطرح شد که شما از فردی استفاده کرده‌اید که مربوط به باند چه و چه است و یا این که مقلد فلان مرجع است! والله من الآن هم که دارم اینجا خدمت شما صحبت می‌کنم، نمی‌دانم فرماندار آنجا مقلد کیست؟ یعنی تا الآن وظیفه خودم نمی‌دانستم که بروم از یک استاندار یا فرماندار پیرسم که شما مقلد چه کسی هستید؟ اگر لازم است، می‌شود پرسید. من خدمت شما عرض کنم در جریان مسائل اصفهان و نجف‌آباد اشرافی که دستگاه وزارت کشور بر مسائل آنجا دارد و در همین حد هم که می‌بینید، توانسته مسائل آنجا را کنترل کند، به نظر من اشراف بسیار بالا و خوبی بوده و همه با ازجان‌گذشتگی کار کرده‌اند، زحمت کشیده‌اند، مجموعه عملکردهای آن بوده که شما می‌بینید. این باعث نشود که خدای ناخواسته ما نسبت به یک فردی که ۸ سال در جبهه بوده، جانباز انقلاب است، برادر دو شهید است، جزو زحمت‌کشیده‌های این انقلاب است، بیاییم یک مسائلی را مطرح کنیم که حداقل امروز (خدای ناخواسته) از آن بهره‌ای ببریم ولی در قیامت نتوانیم پاسخگو باشیم. مثلاً بگوییم این متهم به همکاری با فلان باند و فلان جریان است. ولی اگر گفتند به چه دلیل می‌گویید؟ نتوانیم! یا یک سری مطالبی اینجا خوانده بشود، که من نمی‌فهم اینهایی که گفته می‌شود، اگر گفته می‌شد که مستند این چیست، چه کسی این اطلاعات را داده، این اطلاعات از کجاست، منبعش چیست که آقا این‌طور کرد، آن استاندار این‌طور کرد، فرماندار چنین کرد، وزارت کشور آن‌طور کرد! من نمی‌دانم اصلاً این اطلاعاتی که گفته می‌شود مستندش چیست و کجاست، چه کسی اینها را گفته؟ یک مورد آمدند به ما گفتند، ما گفتیم خیلی خوب، اجازه بدهید ما بررسی کنیم، چون در سوابق ما که وجود ندارد! گفتند آقا! دبیرخانه شورای عالی امنیت به شما توصیه کرده که فرماندار نجف‌آباد را عوض کنید. گفتم حداقل چنین توصیه‌ای به ما نشده، اگر هم بوده یا چنین مصوبه‌ای وجود داشته، به ما ابلاغ نشده ولی در عین حال، حالا از شورای عالی امنیت سؤال می‌کنیم. سؤال کردیم، جواب دادند ما چنین مصوبه‌ای نداشتیم. خوب، این یک نمونه از آن! از همین بگیریم و جلو برویم. این نامه دبیرخانه شورای عالی امنیت است که برای ما فرستاده‌اند. من چون این بحث اینجا مطرح شده خدمت جناب آقای روحانی نوشتیم: احتراماً مستدعی است اعلام فرمایید آیا در دوره تصدی اینجانب در وزارت کشور توصیه‌ای از جانب آن شورای محترم دایر بر تغییر برخی از مسؤولین وجود داشته است؟ جواب داده‌اند:

احتراماً بازگشت به نامه شماره فلان در خصوص سؤال جنابعالی، به اطلاع می‌رساند دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در این خصوص هیچ‌گونه مصوبه‌ای را ابلاغ ننموده است.

من می‌خواهم بگویم خیلی از مطالب همین‌طور است، بعداً اینها جمع می‌شود، می‌گویند آقا! این وزیر کشور زیر بار هیچ‌کس نمی‌خواهد برود! من نمی‌دانم، شاید من باید از این حرفها خوشحال باشم، ناراحت باشم. اصلاً من کسی نیستم که نسبت به من این‌طور فکر بشود که شورای عالی می‌گوید، مسئولین عالیرتبه می‌گویند، نمی‌دانم مجلس می‌گوید، من بنا دارم که نه سر ناسازگاری داشته باشم، فکر نمی‌کنم این‌طور قضاوت کردن نسبت به این جریان درست باشد. حاج آقا ناطق! من چقدر وقت دارم؟

رئیس: ما تقریباً ۱۰ دقیقه وقت داریم.

عبدالله نوری: چون وسط مطلبم می‌شود، یعنی من می‌خواهم یک بحث جدیدی را شروع کنم.

رئیس: می‌خواهید بقیه آن را برای بعد از ظهر بگذاریم، همین‌جا شما هم تخفیف بدهید خیلی هم خوشحال می‌شوند. (نوری: بسیار خوب) ایشان یک ساعت و ۱۷ دقیقه صحبت کردند، بقیه وقت ایشان محفوظ است.

موحدی ساوجی: اخطار قانون اساسی دارم.

رئیس: بفرمایید.

علی موحدی ساوجی: اصل یکصد و پنجاه و ششم، اگر جنابعالی به‌عنوان ریاست محترم مجلس به این مسأله می‌پرداختید من دیگر این زحمت را به‌خودم نمی‌دادم! (خنده حضار)

اول این اصل را می‌خوانم. بعد موردی که مدنظرم می‌آید در مجلس، در ضمن مذاکرات آقای وزیر کشور به آن توجه نشد را عرض می‌کنم:

قوة قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
  ۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
  ۴. کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
  ۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.
- اصول دیگری را هم بنده یادداشت کرده‌ام که فقط اشاره می‌کنم. البته اگر جنابعالی و همکاران محترم بخواهند مراجعه کنند، در این جهت مفید است. اصول ۲۰ و ۱۰۷ قانون اساسی است که تفاوتی در رابطه با اجرای قانون، بین آحاد ملت قائل نیست. افراد ملت از هر مقام و مرتبه‌ای که باشند، اگر جرمی داشته باشند باید... (رئیس: شما الآن اخطارتان را لطف کنید و توضیح بدهید) جناب آقای وزیر کشور در اینجا آمدند از شهردار تهران به عنوان یک مدیر اجرایی حمایت کردند، یعنی حمایت از جرم، حمایت از مجرمی که در واقع برابر قوانین متهم است (همه نمایندگان) و در محاکم قضایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. بنابراین حمایت از یک فرد متهم، یقیناً برخلاف قانون اساسی و دخالت در امر قضایی است.
- رئیس: من خودم توضیح می‌دهم. ببینید آقای موحدی! اگر شما تذکر می‌خواستید بدهید، اولاً هنوز محاکمه شهردار (عنایت داشته باشید! چون اینجا اعلام شد، من می‌گویم) تمام نشده که مجرم شناخته بشود (نمایندگان: احسنت) این به عنوان متهمی که شما می‌فرمایید!
- اشکال یا اعتراضی که به جناب آقای نوری بود، من خودم اینجا تذکر دادم که در این مورد یک نوع دخالت در قوه قضائیه است. بنابراین، آن اخطار یا تذکر لازم را که از موضوع هم خارج نشوند، خود من به عنوان مدیر جلسه به موقع دادم. به نظر من شما اگر به خود من واگذار کنید، حالا نمی‌خواهم بگویم منصف‌تر از شما هستم، ولی به هر حال شاید بهتر بتوانم یک مقدار جمع و جور کنم. (نمایندگان: احسنت)
- اما رأیی که می‌خواهم بگیرم این رأی است. چون جلسه ما بعد از ظهر از چهار ساعت بیشتر خواهد شد، نیاز به یک نظرخواهی داریم. احتیاطاً ما می‌گوییم چهار ساعت، چون الآن تقریباً چیزی حدود یک ساعت و هجده دقیقه وزیر محترم کشور صحبت کردند تا سه ساعت، وقت باقیمانده‌شان هست و نیم ساعت هم باز استیضاح‌کنندگان وقت دارند و باز نیم ساعت وزیر محترم کشور وقت دارند. بنابراین

ممکن است ما در این بین وقفهای تلف شده هم داشته باشیم، ما چهار ساعت را تمدید می‌کنیم، هر چه زودتر تمام شد بهتر که دیگر تمدید مجدد نخواهیم. بعد از ظهر جلسه‌مان انشاءالله از ساعت ۲ خواهد بود، موافقین با تمدید جلسه به مدت چهار ساعت قیام بفرمایند (اکثراً برخاستند)، تصویب شد. متشکر، ختم جلسه اعلام می‌شود. برای ادامه بحث جلسه‌مان، ساعت ۲ بعد از ظهر در خدمتان خواهیم بود.

جلسه ساعت ۱۲/۲۵ به عنوان تنفس تعطیل و مجدداً ساعت ۱۴/۲۳ به ریاست آقای علی اکبر ناطق نوری تشکیل گردید.

رئیس: بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه برای ادامه بحث در مورد استيضاح وزیر محترم کشور رسمی است. از آقای نوری وزیر محترم کشور دعوت می‌شود بحثشان را ادامه بدهند. یک ساعت و هجده دقیقه صحبت فرمودند، ادامه بحثشان را تا سه ساعت خواهند داشت که می‌توانند اگر خواستند دو نفر از نمایندگان هم در موافقت ایشان صحبت بفرمایند.

عبدالله نوری (وزیر کشور): بسم الله الرحمن الرحيم

من در جلسه صبح اشاره‌ای داشتم به بعضی از مواردی که در مجلس محترم توسط برخی از نمایندگان استيضاح کننده مطرح شد. امیدوارم انشاءالله همه مواردی که در جلسه مطرح شد بتواند جوابهایش و یا چنانچه ایرادها وارد باشد، اشکالاتش مورد توجه قرار بگیرد و خدمت نمایندگان محترم هم فرستاده بشود.

من یک مورد را که الآن جوابش را به من دادند، خدمت نمایندگان محترم عرض کنم. مطالبی در رابطه با جناب آقای بهزادیان از تریبون قرائت شد که ایشان برای من نوشته‌اند این مطالبی که اینجا گفته شده، درست نیست، ممنوع الخروج بودن ایشان از سال ۱۳۷۴ که اینجا مطرح شد (نوشته‌اند) خلاف است، ایشان نه ممنوع الخروج بوده‌اند و نه ممنوع الخروج هستند. سال ۱۳۷۵ مسافرتی به خارج داشتند و هیچ زمانی هم ممنوع المعامله نبوده‌اند. گفته شد در ۱۶ مورد موافقت اصولی اقدام داشته‌اند، ایشان نوشته‌اند که هیچ‌گاه در طول عمر خود برای هیچ‌یک از وابستگان و نزدیکان خود و نیز برای خودم حتی یک مورد موافقت اصولی نگرفته‌ام. در مورد این که ایشان الآن عضو هیأت مدیره هستند و نمی‌توانند یُست دولتی به عنوان معاونت داشته باشند، ایشان نوشته‌اند که من عضو هیأت مدیره قبل از آمدن به وزارت کشور بودم و استعفا دادم و استعفای من در روزنامه رسمی چاپ شده که الآن اینجا موجود

است و الآن عضو هیچ هیأت مدیره‌ای هم نیستم و از این مواردی که هست و جناب آقای بهزادیان که مطرح شدند و جزو نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم در دوره سوم بوده‌اند و جزو دانشجویان پیرو خط امام و از اعضای اصلی فعال (در جریان) لائنه جاسوسی بودند، از مؤسسين جهاد سازندگی خراسان بودند، معاون مسؤول لجستیک سپاه پاسداران بودند، چهار سال مدیر شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران بودند... خوب ممکن است در ذهنها چیزی خلجان بکند که من لازم دانستم حالا اشاره‌ای داشته باشم.

درباره مواردی که مطرح شده بود و لازم است که من خدمت نمایندگان محترم و مردم عزیز و بزرگوارمان توضیح بدهم، یکی بحث مرز و مسائل مربوط به امنیت مرزها بوده که من به‌طور خلاصه این مطلب را خدمت شما عزیزان عرض می‌کنم. امروز مقوله مرز، بدون عنایت به ویژگیهای آن قابل تعریف نیست، مرزها به‌عنوان محدوده حاکمیت دولتها و مبادی ورودی و خروجی کشور یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در امنیت داخلی کشور و کنترل شریانهای اقتصادی و تأمین امنیت فرهنگی-اجتماعی کشور است. آسیب‌پذیریهای داخلی یا درون‌مرزی مانند فقدان تأمین اجتماعی، بیکاری، اختلافات منطقه‌ای، رشد بی‌رویه جمعیت شهری، مسائل قومی با گرایشهای مرکزگری، ضعف نظام اداری، نفوذ قدرتهای اقتصادی، عدم رشد قابل قبول توسعه ملی می‌توانند به تهدیدات امنیتی تبدیل گردند. امروز کشور ما قبل از این‌که از ناحیه ارتش کشورها یا ادوات نظامی دشمن در معرض تهدید باشد از جوانب دیگر در معرض تهدید است. امروز دشمن علاوه بر تهاجم فرهنگی گسترده، در تلاش است تا فاصله بین حکومت و دولتمردان را با مردم زیاد کند و اگر حرکت قهری یا عملیات انفجاری هم صورت می‌دهند با هدف ایجاد کنترل‌های گسترده توسط نظام و در نتیجه اذیت و آزار مردم و در یک کلمه سرکوب و تهدید فضای آرام و مطلوب کشور است. تصدیق می‌فرمایید که منشأ همه فعالیت‌های فوق نظامی نیست که قوای مسلح کشور با آن برخورد نمایند. اما بسیاری از آنها از خارج از مرزهای کشور هدایت می‌شوند و از مرزها نفوذ دارند. امروز مرزهای کشورمان بیش از آنچه نیازمند طرح نظامی باشد، نیازمند طرح امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

کشور ما با ۸۷۵۵ کیلومتر مرز با کشورهای عدیده‌ای همسایه است. علاوه بر

علائق و ویژگیهای مرزنشینان ایران اسلامی مصائب و مشکلات هر یک از کشورهای همسایه اثر عمیق و وسیعی بر مناطق همجوار کشورمان دارد. ما در مرزهای شرقی کشور با استقرار گروه طالبان مواجه هستیم و کشت عمده خشخاش در مناطق حاشیهای مرزی در مناطق افغانستان و پاکستان، اقدامات شرارت‌آمیزی که قاچاقچیان در انحصار مختلف شرارت دارند، وضع بد معیشتی که مردم افغانستان و پاکستان در نقاط مرزی دارند و اختلافات فاحشی که قیمت کالاهایی مثل آرد، دارو، سوخت و یا حتی بسیاری از ارزاق عمومی در کشور ما با کشورهای مجاور شرقی دارد یا حتی ناامنیهای موجودی که در خود مناطق پاکستان هست و عدم کنترل مرزبانان مناطق مرزی کشورمان در کشورهای همسایه که خیلی توجه جدی به مرزهایشان ندارند، جزء مسائل و مشکلاتی است که در مناطق مرزی شرق کشور ما وجود دارد و یکی از مهمترین آنها جنگ افغانستان است که طبیعتاً اینها لوازم خودش را دارد و مشکلاتی را برای کشور ما و حاشیه مرزی کشور هم به وجود می‌آورد. در مرزهای غربی کشور باز ما مشکلات معیشتی مردم عراق را داریم و خروج غیر مجاز و فعال شدن گروههای قاچاق، چه در جریان باندهای مواد مخدر و چه در جریان باندهای کالاها و اجناسی که در این مرزها رد و بدل می‌شود و اصولاً مسائل متنوعی که کردستان عراق و ترکیه دارد که مشکلاتی را در خود آن کشورها پدید آورده و طبیعتاً آثار و تبعاتی را هم در طرف کشور ما پدید می‌آورد و باز بسیاری از مشکلات معیشتی و زیست‌محیطی که در این مناطق وجود دارد و از جمله نوسان قیمتها در بین کشور ما و کشور همسایه که باز در مناطق غربی کشور است.

در مناطق مرزی شمالی کشورمان باز یک‌چنین ترسیمی را ما داریم که هم به لحاظ اقتصادی وضع معیشتی مرزنشینان کشورهای همسایه شمالی خوب نیست و هم وضع فرهنگی آن مناطق وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای است که طبیعتاً وضع فرهنگی آنها تأثیر و تأثر خاص خودش را روی حاشیه مرزی ما هم می‌گذارد و حتی جریانات صهیونیستی و جریاناتی که چه‌بسا در این مناطق رخنه کرده‌اند برای این که بتوانند از این رخنه علیه نظام ما برنامه‌ریزیهای خودشان را داشته باشند و یا حتی جنگ ارمنستان و آذربایجان به‌طور طبیعی می‌تواند تأثیر و تأثر خودش را روی حاشیه مرزی ما هم داشته باشد.

روی مرزهای جنوب وقتی نگاه می‌کنیم، مرز گسترده‌ای که ما در جنوب کشور داریم و حضور نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس و یا قاجاق جدی که در آن مناطق از طرف کشورهای همسایه و کشورهای شمالی خلیج فارس وجود دارد و طبیعتاً تأثیر خودش را در مناطق جنوبی هم می‌گذارد، برای ما مشکلات جدی را می‌تواند به وجود بیاورد. در این راستا ما نباید از مسأله پوشش رادیو و تلویزیون کشورهای همسایه کشورمان که می‌تواند در مناطق مرزی کشور تأثیراتی را داشته باشد هم غافل باشیم.

من این را برای این جهت عرض کردم که ببینیم مرز الان در کشور ما چه مقوله‌ای است و چه نوع مسائلی را دارد؟ در اینجا من این نکته را لازم می‌دانم عرض کنم که مقوله مرز صرفاً انتظامی و نظامی نیست! مرزها مانند موجودات زنده‌ای هستند که از ابعاد مختلف قابل بررسی هستند و همچنین دارای تواناییهایی بوده که باید شناخته بشوند. مجموعه امکانات به کار گرفته شده، تا ضمن کنترل مرزها از بُعد انتظامی با توجه به توانمندیهای موجود، نگرش به مسائل مرزی، نگرشی همه‌جانبه بوده و مردم مرزنشین و معیشت آنها و اقتصاد و روابط اجتماعی فرهنگی آنها نیز به عنوان عامل مهمی پرداخته شود. فعال کردن بازارچه‌های مرزی و گسترش آنها توانسته نقش مؤثری را در امنیت مرزها ایفا بکند، ضمن انجام اقدامات انسداد مرزها در طول یک سال گذشته با ایجاد ۲۲۰ کیلومتر جاده مرزی و نزدیک به ۴۰۰ کیلومتر شن‌ریزی و آسفالت جاده‌های مرزی و همین‌طور احداث و تکمیل ۴۳ پاستگاه مرزی، تأمین آب و برق آنها توانسته است متناسب با امکانات موجود گامهای اساسی در امنیت مرزها برداشته بشود. بدیهی است نگاهها به معضلات در نقاط مرزی و اصولاً در باب امنیت باید عمیق‌تر باشد. اگر در کشور سرفتی انجام می‌گیرد نباید همه نگاهها متوجه وزارت کشور و نیروی انتظامی باشد. باید به این موضوع از دید انتظامی و وزارت کشور هم پرداخته بشود ولی صرفاً از این دید نباید پرداخته بشود، باید عوامل موجد را دقیقاً شناخت، از تربیت و آموزش فرد در خانواده تا معیشت افراد جامعه نابرابریهای موجود در اقتصاد خانواده‌ها، عدم بهره‌وری یکسان از امکانات عمومی، عدم برنامه‌ریزی اصولی برای قشر جوان و ایجاد توسعه امید به زندگی در آنها و معضل بیکاری، همین‌طور نحوه اعمال مجازاتها و عوامل زیاد دیگر، همه و همه در میزان سرقت و افزایش یک جرم اجتماعی مؤثر است. مرز هم همین‌طور. مسائل

مرزی یکسویه نیست! مرز و مرزنشینان باید درک شوند و ضمن رفع مشکلاتشان این درک هم ایجاد گردد که هر طرح امنیتی و انتظامی بدون حضور آنها و جلب مشارکتشان موفق نخواهد بود. ما در کشورمان خصوصاً طی یکساله گذشته به وسیله ایجاد فضای مناسب سیاسی و تقویت علاقه و انگیزه در مردم مشارکت خوبی را از سوی آنان داشته‌ایم. این مشارکت اگرچه از گذشته وجود داشته، اما در مناطق مرزی کم‌سابقه بوده.

امروز مرزنشینان خوب کشورمان با اعلام آمادگی و همکاری خود عنصر مهمی در تأمین امنیت مرزها هستند. ما معتقدیم باید این حس مشارکت تقویت شود، اگر امنیت مطلوبی را چه در مرکز کشور و چه در مناطق مرزی طالبیم، باید هزینه آن را بپذیریم. در این زمینه هم اقداماتی باید انجام شود. آنچه باعث گرایش مردم محروم مرزنشین کشورمان در ابعاد اقتصادی و فرهنگی به کشورهای همسایه می‌گردد بیکاری و وضع بد معیشت آنان است. مجلس و دولت باید طرح مناسبی برای رسیدگی ویژه به مرزنشینان کشور داشته باشند. این امر نیازمند درک درست موضوع است تا نیازهای اساسی مردم مرزنشین کشور برطرف نشود، هم نظام و هم حکومت از توان مردم در امر امنیت مناطق مرزی بی‌بهره می‌ماند و هم گروهی از مرزنشینان کشور دست به اقدامات خلاف قانون مثل مشارکت مستقیم و غیر مستقیم در امر قاچاق کالا می‌زنند.

وزارت کشور متناسب با اختیارات و امکانات اقداماتی از قبیل ایجاد بازارچه‌های مرزی و حمایت و کمکهای محدود در مشاغل سنتی مناطق مرزی انجام داده است. لیکن نیاز این عزیزان را پاسخگو نیست. باید تشویق و ترغیب مردم مرزنشین کشورمان در امور سیاسی و عمومی کشور و تقویت حس تعلق آنان به کشور به عنوان یک سیاست اصولی دنبال شود. در این زمینه کارهای متنوع و مختلفی را ما باید در مناطق مرزی داشته باشیم. من خاطرم هست که در دوره قبل هم که در وزارت کشور بودم یکی از مسائلی را که به صورت جدی بویژه در مناطق شرقی کشور پیگیری می‌کردم، مسائل اقتصادی مرزنشینان بود که بحمدالله منجر به این شد که گروهی از افرادی که چه‌بسا در قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های شرارت‌بار شرکت داشتند با آمدن و استفاده کردن از امکاناتی که دولتمردان در آن مناطق فراهم کرده بود از حرکت‌های خلاف خودشان دست برداشتند و به این سمت

حرکت کردند. اما آنچه در صحبت‌های امروز مطرح شد نشان می‌داد که کانه در مسائل امنیتی کشور بویژه در مناطق مرزی بی‌توجهی‌هایی وجود داشته. من خدمت شما عرض می‌کنم که در استان سیستان و بلوچستان شاخصها نشان‌دهنده بهبود شرایط امنیتی است. سرقت مسلحانه (این آماری است که دستگاه‌های امنیتی ما گزارش داده‌اند) و راه‌بندی، ۳۷ درصد کاهش پیدا کرده، قتل عمد ۲۸ درصد کاهش پیدا کرده، آدمربایی ۱۷ درصد کاهش پیدا کرده و در مجموع ۳۸ درصد از تعداد شهدا کم شده و در مقابل کشفیات سلاح و مهمات ۴۶ درصد افزایش و کشفیات مواد مخدر ۸ درصد رشد را بیان می‌کند.

در استانهای شمال غربی و غرب کشور روند آرامش که در نیمه دوم سال ۱۳۷۵ شروع شده بود در نیمه دوم سال ۱۳۷۶ با سرعت بیشتری ادامه یافت و مناطق آذربایجان غربی و کردستان هم‌اکنون شاهد امنیت پایدار هستند. در بررسی شاخصهای امنیتی و مقایسه در مقطع زمانی گفته شده، معضلات امنیتی بین ۴۳ درصد تا ۷۵ درصد در آذربایجان غربی و به میزان صد درصد در کردستان کاهش داشته است که همه اینها نشانگر این است آن ترسیمی که گاهی در بحثها در رابطه با وجود ناامنی مطرح می‌شود، خدای ناخواسته افزایش ناامنی این واقعیت آماری این را تأیید نمی‌کند.

در اینجا این نکته را هم من لازم می‌دانم خدمت نمایندگان محترم عرض بکنم که شورای امنیت کشور نه تنها فعالیت خودش بر شورای تأمین شرق و غرب کشور کاهش پیدا نکرده و شوراهای تأمین استانها کاهش پیدا نکرده که در تمام این موارد، مواردی هم هست که بعضی از نمایندگان محترم مجلس هم شرکت و حضور دارند، می‌آیند، جلسات هست، هیچ مشکلی ما در این راستا نداشتیم و فکر هم نمی‌کنم این به عنوان یک مشکل برای ما الآن در کشور مطرح باشد و یا معضلی از ناحیه کم بودن جلسات شورای امنیتی کشور یا شورای تأمین استانها ما داشته باشیم. چنین چیزی واقعیت ندارد. من فقط اینجا یک نکته‌ای را فکر کردم خدمت عزیزان مطرح بکنم آن نکته این است که یک کاری نکنیم که خدای ناخواسته با صحبتی که از تریبون مجلس محترم مطرح می‌شود، این تلقی بشود که واقعاً در یک کشوری که به لحاظ امنیت جزء کشورهای خوب محسوب می‌شود یک وضعیت ناامنی گسترده‌ای وجود دارد که باید دوستان نگران و از آن ناحیه دشمنان خوشحال باشند. این واقعیت نیست،

بسیاری از کشورهای ناامن در دنیا وجود دارد که آنها با روشهای مختلف، خودشان را امن نشان می‌دهند و کشوری مثل کشور ما که در امنیت خوبی بسر می‌برد این نباید توسط بحثهایی که می‌شود به گونه‌ای ناامن جلوه داده بشود. البته من اشاره کردم ما در نقاط مختلف کشورمان به لحاظ تأثیرهایی که از ناحیه کشورهای همسایه طبیعتاً وجود دارد و یا مشکلات متعدد اقتصادی، فرهنگی مسائلی را داریم که توجه خوبی هم مسؤولین محترم نسبت به آن دارند و پیگیر مسائلی هم هستند.

در ارتباط با موضوع مجوز دادن برای برگزاری میتینگ و تجمعه‌ها، من لازم می‌دانم خدمت نمایندگان محترم گرچه در پاسخ به یک سؤال هم اینجا آمدم و توضیح دادم، مجدداً نظرات دولت محترم و وزارت کشور را خدمت نمایندگان محترم عرض بکنم. همان‌طور که نمایندگان محترم مستحضرنند برگزاری تجمع و راهپیمایی و امثال آن بر طبق قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس محترم حق طبیعی افراد و گروهها بویژه گروههایی است که دارای مجوز قانونی از کمیسیون ماده ۱۰ فعالیت احزاب وزارت کشورند. هیچ ماده قانونی وزارت کشور را مجاز نمی‌داند که از برگزاری تجمع یک گروه که در چارچوب مقررات درخواست مجوز می‌کند، جلوگیری نماید. بلکه قوانین، وزارت کشور را ملزم به رعایت حقوق گروههای قانونی نموده است. مضافاً آنکه سیاست دولت و نظام هم در راستای تحقق آزادیهای سیاسی مشروع و قانونی افراد و گروههاست.

نمایندگان محترم می‌دانند کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب به‌طور مرتب تشکیل جلسه می‌دهد و به تقاضای گروههای سیاسی رسیدگی و در چارچوب قانون برای آنان مجوز صادر می‌کند. در این کمیسیون دو نماینده محترم مجلس و دو نفر از طرف قوه قضائیه و تنها یک نفر از وزارت کشور عضویت دارند و یکی از استیضاح‌کنندگان محترم نیز عضو این کمیسیون است. سؤال من از مجلس محترم این است که کمیسیون مزبور به‌چه منظور برای تشکلهای گوناگون (البته پس از رسیدگی کامل) مجوز صادر می‌کند؟ اگر قرار باشد این گروهها فعالیتهای سیاسی-اجتماعی نداشته باشند و از حقوق خود استفاده نکنند و نظریات خود را ولو مخالف ما باشد، اظهار نکنند، پس چرا برای آنها مجوز صادر می‌کنید؟ بدیهی است به تخلقات احتمالی این گروهها نیز باید طبق قانون رسیدگی شود و این کار در کمیسیون صورت می‌پذیرد و نتیجه عنداللزوم برای تصمیم‌گیری نهایی به قوه قضائیه اعلام می‌گردد.

بدیهی است همان‌طور که قانون این حق را به افراد و گروهها داده است برای جلوگیری از خلاف و ایجاد درگیری و تنش یا برخورد با آن هم چاره‌اندیشی کرده است، هیچ‌گاه به خاطر احتمال خلاف یا درگیری نمی‌توان افراد را از حقوق قانونی خود محروم کرد، مگر آن‌که در قانون تصریح شده باشد. اصولاً قضاوت قبل از وقوع جرم احتمالی، ضمن آن‌که خطاست باعث برخوردهای شخصی و سلیقه‌ای با قانون شده و آنرا مخدوش می‌سازد. راه حل اصولی آن است که تکلیف خلاف را نیز قانون مشخص کند، همان‌طور که مجلس محترم نیز در قوانین مربوطه چنین کرده است. در این صورت اجرای قانون در مورد خلاف و خلافکاری چاره‌ساز نهایی است. اگر قانون در همه موارد اجرا شود مشکلی پیش نمی‌آید، مشکل از آنجاست که یک قسمت قانون مثل دادن مجوز برگزاری تجمع اجرا شود، اما قسمت دیگر آن یعنی برخورد با متخلفین احتمالی اجرا نشود که در این صورت باید از عدم اجرای قانون در این قسمت سؤال کرد یا از اجرای قانون در قسمت اول؟ برای تحقق چنین روندی در عرصه مشارکت فعالیت سیاسی، افراد و گروهها و رسیدن به فضایی که در آن افراد و گروهها بتوانند در چارچوب قوانین اظهار نظر نمایند و تحمل شنیدن و نقد آرا و عقاید دیگر را پیدا کنند، علاوه بر اجرای قوانین و مقررات در همه زمینه‌ها و توسط ارگانهای ذیربط، بایستی زمینه‌ها و شرایط سیاسی و فرهنگی آنرا فراهم نمود. باید همه افراد و گروههایی را که به هر دلیل خارج از چارچوب قوانین عمل می‌کنند به این سمت هدایت نمود که رعایت قوانین و مقررات را تمرین کنند و اگر هم مخالفتی دارند با رعایت قوانین و مقررات آنرا اظهار نمایند. باید جامعه را آگاه نمود که رعایت قانون و تن دادن به قانون بهترین راه زنده نگه داشتن ارزشهای والای اسلامی است و عدول از این امر خود مهمترین عامل تضعیف ارزشهاست. زیرا ضمن متشنج نمودن جامعه، از اسلام و ارزشهای متعالی آن، چهره نامناسبی ترسیم می‌کند.

در این رابطه نیز وزارت کشور نهایت سعی خود را در طی ماههای گذشته به عمل آورده است و به دعوت افرادی که حتی مخالف وزارت کشور و اینجانب بوده‌اند با اخذ مجوز و دادن مجوز تجمع مخالفت با اینجانب به آنان برای ایجاد شرایط مناسب و سالم بیان آرا و تحمل شنیدن آرای مخالف کمک نموده است. جالب است در مراسمی که این گروهها با اخذ مجوز برپا کرده‌اند هیچ درگیری و تشنجی پیش نیامده و اگر این امر نهادینه شود، مطمئناً ما شاهد برخی برخوردهای فیزیکی که در بعضی از تجمعها

به وجود آمده است نخواهیم بود. همچنین در دو جلسه اختصاصی شورای امنیت کشور در تاریخهای ۱۳۷۶/۱۰/۲۳ و ۱۳۷۶/۱۱/۷ مباحث جدی پیرامون نحوه قانونی شدن فعالیت گروههای غیر رسمی تمهیدات اجرایی به منظور کم کردن تنشهای اجتماعی، جلوگیری از اقدامات غیر قانونی و چگونگی فراهم نمودن فضای مناسب برای بیان نظرات اقشار و گروههای مختلف در کشور مطرح شد و تصمیماتی اتخاذ گردید که طی آن دستگاههای سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی موظف شدند وظایف خود را در راستای تحقق موارد مذکور بدون مسامحه انجام دهند و ما امیدواریم با رعایت مصوبات این جلسات توسط دستگاههای ذیربط به اهداف مورد نظر دست یابیم.

برای شفاف شدن فضای سیاسی و فعالیتهای گروهها لازم است دادگاه سیاسی که در کانون فعالیت احزاب و گروهها پیش بینی شده است بسرعت تشکیل شود. درخواست تحقق این امر نیز توسط وزارت کشور به ریاست محترم قوه قضائیه منعکس شده و خوشبختانه هم اکنون با همکاری دو وزارتخانه کشور و دادگستری لایحه مزبور در دست تهیه است و امیدواریم هرچه زودتر برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد. اما در مورد صدور مجوز برای تجمع گروههای دانشجویی در مقابل دانشگاه و در پارک لاله و نیز جلسه ختم مرحوم بازرگان همان طور که قبلاً هم از پشت همین تریبون در پاسخ به سؤالی که برخی از نمایندگان محترم مطرح کرده بودند توضیح دادم مجوز به این گروهها طبق مقررات و قوانین موجود بوده و هیچ دلیلی هم در آن موقع وجود نداشته است که به آنان مجوز ندهیم ما طبق قانون اساسی و قانون مصوب شما عزیزان اقدام کرده ایم. در مورد برگزاری اجتماعات و راهپیماییها طبق قانون، مسئولیت صدور مجوز راهپیماییها با کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و مسئولیت تشخیص و صدور مجوز اجتماعات با وزارت کشور است. پس از صدور مجوز شورای تأمین استان با حضور نمایندگان نیروهای انتظامی، نظامی و دستگاههای اطلاعاتی تشکیل و نسبت به جوانب امر تمهیدات لازم را پیش بینی و موظف به اجرا می شوند. در کلیه مجوزهایی که تاکنون داده شده شورای تأمین استان تشکیل شده، علاوه بر این در مراسم سالگرد مرحوم بازرگان با وزارت اطلاعات نیز هماهنگی قبلی شده و در مورد تجمع مقابل دانشگاه در یازدهم اسفند هم صرفاً در مورد زمان برپایی مراسم

اختلاف نظر وجود داشت که پیشنهاد وزارت اطلاعات دوازدهم اسفندماه بود که چون در آن روز نظر رسمی شورای محترم نگهبان در مورد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس در تهران اعلام می‌شد، به نظر ما اجتماع مزبور به جای آن که اعتراض به عملکرد هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات باشد به شورای نگهبان برمی‌گشت، ترجیح دادیم در همان روز یازدهم اسفند برگزار شود. ضمناً برای اطلاع نمایندگان محترم اعلام می‌دارم که در شرایط بحرانی، شورای امنیت کشور در این زمینه تصمیم می‌گیرد و در شرایط عادی مسؤلیت، به طور کامل طبق قانون به عهده وزارت کشور است و در عین حال برگزاری مراسم به اطلاع کلیه دستگاههای مسؤول برای آمادگی کامل می‌رسد. پس نمی‌دانم که آیا باید به خاطر عمل به قانون مؤاخذه شد، یا به خاطر عمل نکردن به قانون؟ من از نمایندگان محترمی که طرح استیضاح را امضا نکرده‌اند سؤال می‌کنم که وزارت کشور برای برقراری امنیت در موارد ذکر شده چه کار دیگری باید انجام می‌داد که انجام نداد؟ و آیا فقط باید به گروههای موافق اجازه فعالیت داد یا گروههای مخالف قانونی هم حق حیات دارند؟ به قول رئیس جمهور محترم و محبوب! آزادی برای گروههای موافق یک امر محقق است آنچه مهم است آن است که یک گروه قانونی که با برخی از نظرات ما مخالف است هم، بتواند اظهار وجود کند. من از نمایندگان محترم مصرانه می‌خواهم وجدان خود را در این باره به قضاوت بنشانند که آیا چاره جلوگیری از بروز برخی خشونتها در این گونه تجمعه‌ها جلوگیری از فعالیت گروههای قانونی است؟ یا آن که چاره صحیح کار آن است که از یک سو از همه افراد و دستگاههایی که در تأمین امنیت نقش دارند بخواهیم به وظایف خود بدرستی و مسؤولانه عمل کنند و ثانیاً به افراد و گروههایی که به فعالیت در قالب قانون عادت نکرده‌اند بقبولانیم که تن به رعایت قانون دهند که در آن صورت، هم به نفع خود آنان است و هم به نفع جامعه و اسلام و انقلاب، همه ما می‌دانیم که در دنیای امروز نمی‌توان جلو طرح اندیشه‌ها را گرفت بلکه می‌توان اندیشه‌ها را نقد کرد و طبعاً اندیشه‌ای که برتر باشد از طریق عرضه منطقی و مستدل پیروز خواهد شد.

در مورد مجلس ترحیم مرحوم مهندس بازرگان هم، همان طور که قبلاً از پشت همین تریبون برای نمایندگان محترم توضیح دادم هیچ مجوزی در کار نبوده چرا که مجلس ختم، نیاز به مجوز وزارت کشور ندارد. در چند سال گذشته مراسم سالگرد مرحوم مهندس بازرگان برگزار می‌شده و چون بعضاً با مشکلاتی مواجه بوده در سال

۱۳۷۵ براساس دستور ریاست محترم جمهور وقت جناب آقای هاشمی رفسنجانی وزارت کشور موظف به تأمین امنیت مراسم سالگرد شد. امسال نیز خانواده مرحوم بازرگان مراسم سالگرد وی را در چند شهر به اطلاع وزارت کشور رساندند و وزارت کشور هم وظایف قانونی خود را انجام داد و مراتب تأمین امنیت را به استانداریهای ذیربط و از آن طریق به نیروی انتظامی ابلاغ نمود.

در اینجا لازم می‌دانم در ارتباط با سؤال مربوط به ایجاد تشنج در جامعه به عرض مجلس محترم و ملت بزرگوار ایران برسانم قبل از هر چیز باید عنایت کاملی به تفاوت دو مقوله تشنج سیاسی و نشاط سیاسی داشت. جامعه‌ای که دارای نشاط و حساسیت سیاسی است طبعاً در قبال ناملايمات از خود واکنش نشان داده و در صورت وجود قواعد و مقررات و نهادهای سیاسی درخواستهای خود را به‌اشکال گوناگون به گوش مسئولین می‌رساند. انتشار مقالات، برپایی تجمعات و راهپیماییها و حضور در مجامع تصمیم‌گیری و غیره... روشهایی است که هر جامعه رشیدی برای ابراز تمایلات و دغدغه‌ها و پیشنهادات خود برمی‌گزیند. از زاویه جامعه‌شناختی نیز می‌توان به این مسأله نگرست به این معنا که پاره‌ای از تنشهای اجتماعی ساختاری است و تا به نحو ریشه‌ای با علل آنها مقابله نشود فروکش نمی‌کنند. در کشوری که هر ساله به دلیل نارساییهای اقتصادی بر تعداد بیکاران افزوده می‌شود و نرخ رشد جمعیت شهرهای بزرگ بعضاً به ۵ درصد می‌رسد و الگوی مصرف تغییر کرده و سطح توقعات بالا رفته و به علت ادغام اجتماعی شاهد گسترش حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های گسترده هستیم علی‌القاعده باید سطحی از تنش را بپذیریم و آن را طبیعی بشماریم. پاره‌ای از این تنشها ساختاری، تنشهای ساختاری، اختصاص به کشور ما ندارد و برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای شناخته شده است.

ناهنجاریهای ناشی از شرایط گذار در هر جامعه‌ای موجب برخی تنشها می‌شود که اموری طبیعی شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر انتظارات برآورده نشده، ناکامیها و محرومیت‌های نسبی علی‌القاعده بستر مناسبی برای تعرض و خشونت هستند که البته می‌توان به گونه‌ای موقت با ابزارهای پلیسی آنها را مهار کرد. اما از آنجا که ریشه در توسعه‌نیافتگی دارند راهکارهایی بنیادی می‌طلبند. طبعاً هنگامی که در لایه‌های زیرین اجتماعی غلیانها و نابرابریهایی وجود داشته باشد باید انتظار داشت که در سطح سیاسی جریاناتی همچون میزان‌الحراره وضعیت را بازتاب دهند. تب و التهاب

اجتماعی را نمی‌توان با شکستن میزان‌الحراره برطرف کرد بلکه دولت مقتدر و پاسخگو دولتی است که اجازه طرح مطالبات اجتماعی-سیاسی شهروندان را در چارچوب مقررات می‌دهد و به‌این ترتیب همچون طبیعی مشفق در صدد علاج بیماریهای اجتماعی برمی‌آید و همچون معلمی دلسوز سعی بر ارتقای رشد و آگاهیهای شهروندان می‌نماید. با این وجود نباید از تحولات سیاسی ناشی از حساسیت و نشاط مردم چنانچه پیش‌آید هراس داشت. در قبال تنشهای طبیعی که ریشه‌های عمیق ساختاری و اجتماعی دارند موضعی مداواگرانه باید اتخاذ کرد. اما مسأله امروز جامعه ما تنشها و تشنجهای تصنعی است که عالماً و عامداً از سوی محافل خاصی طراحی می‌شود و در جهت مطامع و اغراض سیاسی ویژه‌ای به‌اجرا درمی‌آیند. یکی از عوامل عمده تشنج را باید در شفاف‌تر شدن فضای سیاسی جست‌وجو کرد. هرچه این فضا روشن‌تر و قانونمندتر می‌شود عده‌ای که از اجرای قانون متضرر می‌گردند با توسل به شیوه‌های خاص، اهداف خود را تعقیب می‌کنند. شاید قصد دارند با گِل‌آلود کردن شرایط به‌صید ماهیهای بزرگ موفق شوند و گاه عامل این تشنجه‌ها را باید در عقب‌افتادگی و ارزش‌ناشناسی پاره‌ای جریان‌ات مدعی ارزشها جست‌وجو کرد که بدون در نظر گرفتن عواقب اعمال خود با تمسک به اصول مترقی اسلام چه‌بسا مرتکب تخلفاتی می‌شوند بدون آن‌که مبانی تسرعی رفتارهای خود را با محکومات و مسلمات اسلام تطبیق دهند.

رهبر معظم انقلاب در جمع فرماندهان سپاه در مورخه ۱۳۷۶/۱۲/۱۴ می‌فرمایند: «من این طوری موافق نیستم، ببینید امام -رضوان‌الله تعالی علیه- عیناً سلیقه‌اش همین بود. بنده دارم به‌شما عرض می‌کنم، خبر می‌دهم البته شواهد هم هست در سال ۱۳۶۴ که همین آقای ناطق نوری وزیر کشور بودند من یادم نمی‌رود در همین خیابانها یک‌عده‌ای از جوانها بودند که به‌بدحجابها حمله می‌کردند، امام مکتوب به‌ایشان نوشتند که بروید این جوانها که به‌بدحجابها حمله می‌کنند بگیریدشان و حبسشان کنید. امام مخالف بود در حالی که امام آن مرد شجاع و بی‌نظیری بود که مسأله حجاب را به‌این مملکت برگرداند. هیچ‌کس دیگری غیر از امام نمی‌توانست این کار را بکند. امام همان ماههای اول پیروزی انقلاب گفتند باید مردم با حجاب بیایند این همان امام است اما در عین حال با آن روش مخالف بود و ایستادگی کرد. آنها هم بچه‌های حزب‌اللهی بودند منتها نمی‌فهمیدند کار را اشتباه می‌کردند بنده هم

موافق نیستم با این طور زدن و فلان... بچه‌های خوب، بچه‌های مؤمن، بچه‌های صادق، بچه‌های سالم، بچه‌های خوش فکر، خوشدل گاهی اشتباه می‌کنند راه را باید شماها توجه داشته باشید. یک نفری که اینجا حرف بی‌ربطی دارد می‌زند خیلی خوب شما وقتی حرفش تمام شد یا در همین جلسه بلند شوید منطقی و صحیح حرفتان را بزنید یا بگویید که عجله هم نداریم شما گفتید بساطت را جمع کن برو، بنده بعد از شما دوسه روز دیگر می‌آیم همین جا یا جای دیگری اعلام هم می‌کنم منطقی هم حرف شما را رد می‌کنم. این طوری بگویید، بگذارید جوان صاحب شوق و تشنه فهم حقیقت حرف حساب را از شما بشنود». این پایان صحبت مقام معظم رهبری بود. با این مقدمه توجه نمایندگان محترم مجلس را به نکات زیر جلب می‌نمایم:

۱. دولت خدمتگزار و پاسخگو که باید در شرایط کنونی با انبوه معضلاتی که پیش رو دارد مقابله کند بیش و پیش از هر نهاد دیگری به امنیت و ثبات احتیاج دارد، دولتی که شعار توسعه پایدار و موزون را می‌دهد طبعاً به دنبال بستر امنی برای راه انداختن چرخ تولید و ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری است. در شرایطی که کوچکترین احساس ناامنی مغزها و سرمایه‌ها را به خارج پرواز می‌دهد و مانع از جلب سرمایه داخلی و خارجی می‌شود دولت جز ایجاد ثبات و امنیت کدام وظیفه مبرم را در دستور کار خود دارد؟ هنگامی که یک حرکت ناسنجیده تا این حد بازتاب دارد که مؤسسات پژوهشی بین‌المللی ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را آنچنان برآورد می‌کنند که امکان سرمایه‌گذاری ولو با دورنمای یکساله را در ایران مستحیل می‌نماید و به این طریق ضریب ریسک سرمایه‌گذاری را در ایران بالا برده‌اند چرا باید دولت را مشوق و عامل بی‌ثباتی معرفی کنیم؟ بنده با صراحت عرض می‌کنم هیچ‌کس به اندازه دولت از ایجاد تشنج متضرر نمی‌شود و دامن زدن به تشنج نتیجه‌ای جز کند کردن روند توسعه سیاسی و اقتصادی ندارد و لذا دلیلی وجود ندارد که دولت خود بخواهد تشنج ایجاد کند و یا به آن دامن بزند.

۲. نمایندگان محترم معترض در این زمینه علی‌القاعده باید این سؤال را مطرح می‌کردند که چرا به تجمعات گروهها و احزاب سیاسی قانونی که با مجوز وزارت کشور برگزار می‌شود حمله شده و به تشنج کشیده می‌شود. آیا علت تشنج و تنش، صدور مجوز از سوی وزارت کشور است؟ یا گروههای غیر قانونی و آشوب طلب که موجد و موجب ناامنی هستند؟ راستی چرا هیچ‌گاه برخی اجتماعات خاص به آشوب

کشیده نمی‌شود، اما هر گاه که سایر گروهها در صدد طرح قانونی خواسته‌های خود برمی‌آیند از سوی عده‌ای خاص مورد تهاجم قرار می‌گیرند. آیا ایجاد تنش و تشنج در نمازهای جمعه تهران و اصفهان ارتباطی با صدور مجوز توسط وزارت کشور داشته است؟

۳. بعضی از نمایندگان محترم می‌پرسند که چرا وزارت کشور جواز فعالیت سیاسی گروهها و دستجات قانونی را می‌دهد؟ این سؤال به آن می‌ماند که چرا وزارت بازرگانی در صدد تهیه ارزاق مردم است اگر نان برای مردم ما مهم است آزادی هم مهم است. وظیفه وزارت کشور است که تمام ظرفیتهای سیاسی قانون اساسی را محقق کند و برنامه‌های اعلام‌شده ریاست محترم جمهوری را پیش ببرد. اگر اجرای تمام و کمال قانون اساسی تشنج‌آفرینی است باید برای ترمیم قانون اساسی فکر شود. ما انتظار داشتیم استیضاح‌کنندگان محترم از ما بپرسند که برای اصول و فصول بر زمین مانده قانون اساسی مثل قانون شوراها چه چاره‌ای اندیشیده‌ایم؟ و چرا در تحقق آن تعلل می‌کنیم؟ نه آن‌که برای اجرای قانون اساسی مورد استیضاح و سؤال قرار گیریم. از همه اینها گذشته وظیفه رسیدگی به ناامنیهای اجتماعی به‌عده قوه قضائیه و ضابطین آن است.

۴. به نظر نمایندگان محترم استیضاح‌کننده، دولتی که پشتوانه اکثریت قریب به اتفاق مردم را با خود دارد چرا باید دست به ایجاد تشنج بزند؟ دولتی که شعار رئیس جمهورش دعوت همگان به گفت‌وگو و نفی هرگونه روشهای خشن و غیر قانونی در دو عرصه داخلی و بین‌المللی است آیا منطقی است که خود ایجادکننده تشنج باشد؟ از سوی دیگر مگر دولت چه زیانی از فضای آرام و مسالمت سیاسی دیده است که بخواهد فضا را متشنج کند، دولتی که به‌خدا اتکال و به مردم اتکا دارد قطعاً از آرامش سیاسی سود می‌برد و می‌تواند اهداف و آرمانهای خویش را محقق سازد و لکن در جامعه افرادی هستند که موفقیت دولت، مطلوب آنها نیست و برای عدم موفقیت دولت ممکن است دست به هر کاری بزنند و همگان باید نسبت به اعمال این دسته که در نهایت نتیجه‌ای جز تضعیف نظام اسلامی ندارد هوشیار باشند و با آن مقابله کنند.

اجازه دهید من از بُعد دیگری نیز به این موضوع بپردازم. امنیت از مقولاتی است که برداشتهای مختلفی از آن می‌شود و تا تصور واحدی از این مفهوم پیدا نکنیم ممکن است تبادل نظر و گفت‌وگو در خصوص آن با دشواریهایی همراه شود. حفظ حدود و

مرزهای سرزمینی نوعی امنیت است، دفاع از مرزهای ایمان و عقیده مردم از مؤلفه‌های امنیت است، تأمین آتیه نسلها ایجاد امنیت و اطمینان خاطر می‌کند. دورنگری و ثبات در حوزه اقتصاد، امنیت سرمایه‌گذاری را موجب می‌شود، گسترش خدمات مربوط به تأمین اجتماعی امنیت و جمعیت خاطر ایجاد می‌کند. دورنمای یک زندگی شرافتمندانه و انسانی مستلزم امنیت شغلی و امنیت قضایی است. مشاهده می‌کنیم که مفهوم امنیت در زمینه‌های بسیاری اشتراک لفظی داشته و در ذیل آن معانی گوناگونی مندرج است. گزارش توسعه انسانی متعلق به سال ۱۹۹۴ تهیه شده توسط سازمان ملل در این باره اشعار می‌دارد امروزه اکثر مردم بیشتر از ناحیه نگرانیهای مرتبط با زندگی روزمره احساس ناامنی می‌کنند تا از ترس وقوع یک حادثه فاجعه‌آمیز جهانی، امنیت شغلی، امنیت از حیت درآمد، امنیت از بابت سلامت، امنیت زیست-محیطی، ایمنی از جرایم و جنایات و غیره... اینها نگرانیهایی هستند که در ارتباط با امنیت انسانی در سراسر جهان به‌ظهور می‌رسند، ملاحظه می‌کنیم که امنیت در بیرونی‌ترین سطح آن مترادف با امنیت نظامی و انتظامی شمرده می‌شود و در لایه‌های عمیقتر باید سایر اشکال امنیت و تأمین و طمأنینه و جمعیت خاطر را مد نظر قرار داد. لذا وزارت کشور در بهترین حالت می‌تواند با استفاده از ابزارهای قانونی خود نوعی امنیت که عمدتاً لایه بیرونی آن است را برقرار نماید و تنها هنگامی امنیت با همه ابعاد آن به‌بار خواهد نشست که بتوان در عرصه‌های اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی به استانداردهای واقعی امنیت دست یافت. شاید از آن‌رو امنیت را نعمتی مجهول دانسته‌اند که همگان از ریشه‌های آن آگاه نیستند و نمی‌دانند امنیت ظاهری اگر بخواهند پایدار و مداوم باشد مستلزم برقراری چه انواعی از امنیت در اعماق ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است.

یکی از مهمترین ریشه‌های امنیت وفاق عمومی میان شهروندان و نخبگان بر سر اصلی‌ترین مصالح ملی است. تنها در صورت تحقق چنین وقایعی است که هر شهروندی سرنوشت خود را پیوسته به سرنوشت دیگران می‌بیند و افراد و گروه‌های سیاسی طرق همکاری و در عین حال رقابت مسالمت‌آمیز با یکدیگر را کشف می‌کنند. به این معنا امنیت حلقه آخر زنجیره‌ای است که حلقه‌های اولیه آن را مدارا و هم‌پذیری و اصلاح ذات‌البین و اتفاق بر اصول مشترک تشکیل می‌دهد و به تعبیری ابتدا باید دارالسلامی تشکیل شود تا بتوان آن را به دارالامان ارتقا داد. مثلاً هنگامی

مجلس، آرامش خواهد داشت که فراکسیونهای آن به شیوه تفاهم و تضارب آرا و تعاطی افکار در مورد مقولات کلی و بر سر منافع و امنیت ملی به توافق رسیده باشند و چارچوب قواعد مسالمت‌آمیز سیاسی را زمینه رقابت و مشارکت و پیشبرد برنامه‌های خویش قرار دهند.

از دیگر سو برای تأمین امنیت از طریق مردم و تقلیل هزینه‌ها و عوامل اجرایی و اداری باید رابطه میان شهروندان و دولت را تحکیم کرد و در یک کلام مشروعیت و مقبولیت دولت را در انظار توده‌ها ارتقا داد. در نظامهای استبدادی به لحاظ شکاف دولت و شهروندان آنچه مهم است صرفاً امنیت دولتمردان است در حالی که در نظامهای مردمی آنچه حائز اهمیت می‌باشد امنیت اجتماعی به مفهوم آزادی عمل شهروندان در استفاده از حقوق و مزایای مصرح در قانون اساسی در کنار امنیت دولت است. اگر بپذیریم که صلح و امنیت پایدار در جهان معاصر، تابع میزان مشروعیت دولت است و شاخص افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی به افزایش مشارکت همگانی در تعیین سرنوشت خویش بستگی دارد و نیز بپذیریم که افزایش مشارکت جز با دامن زدن به رقابت قانونمند و عاری از خشونت میسر نیست و لازمه چنین رقابتی آزادی شهروندان در انتخاب سیاسی خویش است آنگاه براحتی می‌توان فهمید که امنیت فرآورده مهم آزادی است و بر این توهم نادرست که آزادی بیشتر را باعث ناامنی می‌داند، خط بطلان می‌کشد.

با این مقدمه به پاسخ سؤال استیضاح‌کنندگان محترم می‌پردازم. از نظر بنده هیچ‌گاه شرایط امنیتی کشور تا به این حد مستحکم و بنیادین نبوده، چنان‌که در مقدمه ذکر شد اگر امنیت واقعی تابعی از مشروعیت نظام باشد که هست، حضور ۳۰ میلیونی مردم در انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که میان شهروندان و دولتمردان پیمان و پیوند وثیقی که از بهمن ۱۳۵۷ برقرار گردیده همچنان برقرار است و شکاف بین دولت و ملت که در کشور ما سابقه‌ای تاریخی داشته است به نحو قابل توجهی ترمیم شده و این احساس مردمی که دولتمردان را از خود می‌دانند به نحو شایسته‌ای افزایش پیدا کرده است. از این رو اگر هم در ظواهر امر علائم و آثاری از ناامنی و ارتکاب به جرایم و تخلفات مشاهده شود باید به آن به عنوان پدیده عارضی و گذرا نگریست و این اطمینان را داشت که مهمترین مؤلفه امنیت ملی یعنی مشروعیت نظام و دولتمردان و سیاستها بعد از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری کاملاً تقویت شده است. دامن

زدن به این توهم که دولت جناب آقای خاتمی در برقراری امنیت توفیقی نداشته است این گمان را تقویت می‌کند که نکند جریان‌ات مرموزی برای ایجاد جنگ روانی و نتیجه‌گیریهای بعدی اکنون می‌خواهند به هر شکل ممکن فضا را آلوده کنند، شاخصهایی که می‌تواند بیانگر وضعیت نسبتاً مطلوب امنیت باشد عبارت است از کاهش تنشهای قومی، منفع‌شدن مخالفان و معاندانی که به دنبال براندازی بوده‌اند، منفور شدن دشمنان قسم‌خورده جمهوری اسلامی ایران بر اثر ارتقای منزلت ایران در انظار جهانیان، پیدایش حس مشترک میان شهروندان که همه آنها برای پیشبرد برنامه‌های دولت زمینه‌های سازنده و مهمی هستند و از علائم بهبود استانداردهای امنیتی کشور می‌باشد.

در شرایطی که یکی از مسائل مهم اقتصاد ایران بیکاری است و اقتصاد ما قادر نبوده با همان سرعتی که به جویندگان کار افزوده می‌شود فرصتهای شغلی ایجاد کند و در شرایطی که موقعیت استراتژیک ایران در منطقه ایجاب می‌کند که مدیریت عالی کشور در هدایت میهن اسلامی چالشهای احتمالی آینده را در نظر بگیرد و با توجه به ضرورت انکارناپذیر حضور گسترده‌تر مردم در همه عرصه‌ها و از جمله فعالیتهای اقتصادی باید توجه داشت که توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بدون ثبات سیاسی و اصلاح ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تحقق نمی‌یابد. اما برقراری ثبات سیاسی موکول به رعایت حقوق افراد و هدایت تحولات سیاسی به سوی چارچوبهای قانونی و تن دادن به حقوق مردم و گروههای اجتماعی است، از اینجاست که نقش فعالیتهای اجتماعی و سیاسی در چارچوب اصول قانون اساسی و برنامه‌های رئیس جمهور محترم در ایجاد امنیت روشن می‌گردد. عملکرد وزارت کشور در این مدت همه در چارچوب توجه به همین حقوق و ایجاد امنیت پایدار از همین طریق بوده است. نمونه‌ای از توفیق این برنامه را می‌توان در تغییرات گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر در اثر مساعدت وزارت کشور مشاهده کرد. به‌اعتراف سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئیس مساعدت به‌موقع وزارت کشور در ارسال اخبار و دلایل مقابله با ناقضین قانون باعث گردید تغییرات قابل توجهی در لحن و دیدگاه گزارش نماینده حقوق بشر به‌وجود آید که بعد از ۱۵ سال دستاورد جدیدی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب گردید. در پایان همین گزارش آمده است مساعدت وزارت کشور باعث گردید چهره جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان طرفدار نقض آزادی بیان و

نقض حقوق بشر به مدافع حقوق بشر و آزادیها تغییر یابد که منشأ تغییر دیدگاه برخی از کشورها در کمیسیون حقوق بشر گردید. این گزارش مبین بذل توجه وزارت کشور و دولت جمهوری اسلامی به تشنج زدایی در داخل و خارج و بالا بردن سطح و جایگاه بین‌المللی نظام و ارتباط آن با امنیت کلان آن می‌باشد. توجه دولت جمهوری اسلامی به مفاهیم آزادیهای سیاسی و اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ این آزادیها با امنیت عمومی نظام را می‌توان از زاویه دیگری هم مورد توجه قرار داد. به استناد گفته‌های رسمی، تقویت نشر نظارتی مطبوعات به کاهش جرایم و تخلفات در جامعه منجر شده است. در این گزارش نشر سازنده مطبوعات و ابعاد اطلاع‌رسانی آنها به عنوان مصداق تلاش برای ارتقای ضریب امنیت ملی محسوب شده است. در هر حال نگاه دولت به امنیت، یک نگاه کلان، درازمدت و همه‌جانبه‌نگر است. (رئیس: شما امروز بعد از ظهر یک ساعت تمام صحبت فرمودید، یک ساعت و ۱۸ دقیقه هم صبح صحبت کردید، در کل ۴۲ دقیقه وقت دارید).

والسلام علیکم و رحمة الله.

رئیس: متشکر، آقای دعایی بفرمایید.

سید محمود دعایی: سلام علیکم و رحمة الله، بسم الله الرحمن الرحیم.

«اللهم اهدنا من عندك و افض علينا من فضلك و انشر علينا من رحمتك».

حقیقتش این است که خودم را شایسته نمی‌دیدم و نوعی تردید داشتم که وقت عزیزان را بگیرم. همان‌طور که شب گذشته مواجه شدم با یک از خودگذشتگی و بزرگواری که یک عبد صالح خداوند انجام داد. ما دیشب دعوت داشتیم در مسجد سلمان که نشستی داشته باشیم با برادرمان جناب آقای نوری و جمعی از اعضای هیأت دولت و در رأس آنها جناب آقای دکتر حسن حبیبی تشریف داشتند. من ایشان را به عنوان یکی از بندگان پاک و مخلص و صمیمی خداوند می‌دانم، عبد صالحی است و حرکتی که ایشان انجام داد، احساس کردم که وظیفه داریم، اگر که اعتقادی هست و اگر نفوذ کلامی هست و اگر احساس مسؤلیت و رسالتی هست ما هم انجام بدهیم. آقای دکتر حبیبی از شخصیت‌های پاک و نازنینی هستند که هیچ شائبه قدرت‌خواهی و جاه‌خواهی و مال‌خواهی ندارند. روز گذشته علی‌رغم این‌که مصیبت‌زده بودند و در جلسه ختم برادر همسرشان شرکت کرده بودند بلافاصله از مجلس ختم به مسجد سلمان آمدند، با این‌که مرسوم است مردم بعد از این مراسم

به منزلشان می‌روند و مراسم ویژه‌ای است که مراجعه می‌شود و به هر حال پذیرایی هست و مسائلی از این قبیل... ولی ایشان تشخیص داد که در یک موقعیت حساسی بیاید و با نمایندگان، صمیمی و صادقانه صحبت کند. فضای خیلی خوبی را به وجود آورده بودند، جناب آقای نوری توضیحاتی دادند، برادرانی از امضاکنندگان متن استیضاح سؤالاتی داشتند و مسائلی را مطرح کردند و نقطه آغازی بود بر یک ارتباط تنگاتنگ و گرم و صمیمی بین دولت و مجلس و خوب طبیعتاً نقطه پایانی بود بر یک جدایی و دوئیت و به هر حال افتراقی که متأسفانه همراهش حرکتی بود که امروز انجام شد.

من هم فضای مجلس دیشب و هم فضایی که امروز حاکم بر مجلس بود را فضای امیدبخشی می‌بینم. ما، هم نمایندگانمان و هم دولتیمان، رشد خودشان را نشان دادند، صداقت و صمیمیت و احساس مسئولیت و تعهد خودشان را به جامعه و آرمانهایشان نشان دادند. با صراحت آنچه در دل داشتند، هر ابهامی که وجود داشت عرضه کردند و شخصیتی که مخاطب بود، با تحقیق، با درایت و مستنداً پاسخهای لازمی را داد که هنوز هم البته زمینه ارائه بعضی نکات مبهم و پاسخهای مناسب هست که من مطمئنم ختم آن، ختم به خیری خواهد بود.

بیش از یک سال است که جامعه ما متحول شده، شرایطی برایش به وجود آمده در سایه رهنمودهای مقام معظم رهبری فضای آزاد و بازی ایجاد شده و مردم توانسته‌اند بر سرنوشت خودشان مسلط باشند، تصمیم بگیرند و اراده خودشان را حاکم بکنند. در جریان انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری مردم با شرایط ویژه‌ای مواجه شدند که به هر حال انتخاب کردند. بعد از انتخاب ما مواجه بودیم با صحنه‌های جالبی از گذشت، فداکاری و ارائه منویات مذهبی و آرمانی و اسلامی خودمان. پیشاپیش آن رئیس محترم مجلس ما بود که به عنوان رقیب انتخاباتی، برادر ارجمند، حاج آقای ناطق گفت که رقابت گذشته، رفاقت آغاز شده و این رفاقت را تا الآن به شایستگی این عزیز ما خوب نشان داده.

در جریان رأی اعتماد کابینه جناب آقای خاتمی، در جریان بودجه و در جریان اداره امروز مجلس و من مطمئنم که سرانجام این مجلس هم هر چه خواهد بود، به نفع جامعه ماست و باعث سرفرازی و آبروی امت ما، مجلس ما، جامعه ما.

برادران! سیدی با این مردم خوب، صاف و روراست صحبت کرد. یکسری

امیدهایی را به این مردم داده، یکسری آرمانهایی را ابراز کرده، مردم باورش کرده‌اند، به او رأی داده‌اند و او رئیس جمهور شده. رهبری این نظام او را تأیید کرده، تنفیذ کرده، به او خوشامد گفته، ابراز خوشوقتی کرده. رقیب او با او رفیق شده، جامعه به او امید بسته و او برای تحقق آرمانهای خودش، افرادی را انتخاب کرده. به اعتقاد خودش...

علی موحدی ساوجی: تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

رئیس: جناب آقای دعایی! الآن هم من می‌خواستم تذکر بدهم منتها می‌خواستیم که کلام ایشان منعقد بشود بعداً! (دعایی: خیلی تشکر می‌کنم) عرض می‌شود حضرت تعالی هم حقیقتاً بیاید در همان موضوع و متن استيضاح (دعایی: دارم می‌رسم) ببینید موضوعات مشخص است جناب آقای دعایی (دعایی: چشم، چشم، من آن موضوع را خدمتتان عرض می‌کنم) اگر بیاید روی موضوع، موضوعات را من خدمتتان... (دعایی: الآن می‌رسم به وزیر کشور) ببینید ایجاد تشنج در جامعه یک موضوع است، انتصابات یک موضوع است، عملکرد خلاف قانون و عرف یک موضوع است، کاهش وضعیت امنیتی یک موضوع است، تأخیر و توقف در اجرای وظایف قانونی یک موضوع. شما اگر محبت کنید در موضوع صحبت بکنید متشکر می‌شویم.

سید محمود دعایی: به فضل الهی. به هر حال این سید برای پیشبرد اهداف خودش، برای عمل به وعده‌ای که به مردم داده بود، افرادی را انتخاب کرد که در این مسیر کمکش کنند. پیشاپیش آن افراد جناب آقای حاج شیخ عبدالله نوری بودند. ایشان با سوابق بسیار روشنی که در قانونمداری، در مدیریت، در درایت و مهمتر از همه در تقوا و تدین داشتند، ایشان را انتخاب کردند، خوب طبیعتاً در جهت جاافتادگی این کابینه، در جهت جاافتادگی این دولت، در جهت تحقق یکسری افکار و آرا و اهداف جدیدی که جامعه ما هنوز آن‌را تجربه نکرده بود، تشهایی به وجود بیاید. اینجاست که باید تدبیر داشت، اینجاست که باید مقاومت داشت و شهامت داشت و درست از عهده کار برآمد.

طبیعی است که واکنشهایی را در جامعه به وجود بیاورد و طبیعی هم هست که عناصری در درون مجلس شورای اسلامی به دلیل سوگندی که یاد کرده‌اند و وفایی که به مردم دارند، نگران باشند و این نگرانیها در سؤالاتی بروز بکند، در مسائل دیگری

بروز بکند و در نهایت به عنوان استیضاح مطرح بشود که امروز ما داریم این استیضاح را بررسی می‌کنیم و به این نکته می‌رسیم.

چیزی را که من می‌خواهم اینجا عرض کنم این است که برادران! در شهریورماه گذشته بود که کابینه مطرح شد، به این برادرمان اینجا رأی اعتماد دادیم. امروز ایشان را بعضی از دوستان ما زیر سؤال بردند به دلیل تعهدی که دارند و نگرانیهایی که دارند و بحق هم هست و طبیعتاً باید پاسخهای لازم را بشنوند. مجدداً رأی‌گیری آغاز خواهد شد و ما ناگزیر هستیم در آنچه در گذشته تصمیم گرفته‌ایم تجدید نظر کنیم.

من یک خاطره‌ای را نقل می‌کنم و شما را توجه می‌دهم به رعایت یک اصل اخلاقی شرعی. مرحوم آیت‌الله بروجردی - رضوان‌الله تعالی علیه - که یکی از مراجع بزرگ وقت بودند، نماینده‌ای داشتند. این نماینده‌شان باب طبع نشده بود، به ایشان فشار آوردند که شما حکمی را که به ایشان دادید پس بگیرید. زیاد فشار آوردند. ایشان فرمودند که من اگر باور کنم که در اثر پس گرفتن این حکم این شخص به آن موقعیت و مقامی که قبل از گرفتن حکم از من بوده برمی‌گردد من این کار را می‌کنم اما نگران این هستم که اگر این حکم را پس بگیرم، این شخص از هستی ساقط بشود. برادران! تنها مسأله آقای نوری مطرح نیست. ما با برخوردی که با جناب آقای خاتمی و دولتش در این مجلس کردیم داریم تجدید نظر می‌کنیم. (عده‌ای از نمایندگان: خارج از موضوع است) ما در ابتدای امر... (همه نمایندگان)

رئیس: آقای دعایی! ببینید زبینه نیست مجلس به دست شما متشنج بشود اصلاً این بحث را شما قطع کنید، شما بیاید روی موضوعاتی که هست و می‌خواهید صحبت کنید، دانه به دانه روی موضوعات صحبت کنید.

سید محمود دعایی: من در رابطه با سوابق و شخصیت برادرمان جناب آقای نوری می‌خواهم صحبت کنم. اگر می‌توانم در این زمینه صحبت کنم، ادامه بدهم. (رئیس: روی موضوع صحبت کنید) ببینید! موضوع برخورد با شخصیت ایشان داشته، شخصیت ایشان زیر سؤال رفته، ایشان را به عنوان عنصری که خدای ناکرده تعهد ندارد، عنصری که پایبند به موازین نیست، عنصری که تابع گروهک معدوم مهدی هاشمی است، این طوری در خلال صحبت‌هایشان مطرح کردند آیا من می‌توانم از ایشان دفاع کنم؟

رئیس: حالا عرض می‌کنم، ببینید آقای دعایی! بحث کرده‌اند، حالا آن بحثی که